

Analysis of Imam Khomeini's Qur'anic Citations in His Pre-Revolutionary Statements

(Received: 2024-12-23 Acceptance: 2025-09-01)

Ali Zareei ¹ , Reza Mohammadi ² 

Abstract

The aim of this study is to analyze the pattern and significance of Qur'anic verses in the political thought of Imam Khomeini (RA) during the pre-revolutionary period. Adopting a mixed-methods approach, it seeks to answer the central question: what conceptual and frequency patterns characterize Imam Khomeini's Qur'anic citations in this period?

In the first stage, all his Qur'anic references found in written works and speeches of the time (including Sahife-ye Imam and Velāyat-e Faqih) were examined through quantitative content analysis. The data derived from 79 extracted citations were categorized into three main components—"Formation of a Monotheistic-Islamic Society," "Divine Promise of Victory," and "Qur'anic Models"—and statistically analyzed using the chi-square test. The quantitative findings indicate a significant difference in citation frequencies: "Monotheistic-Islamic Society" (48.1%) and "Divine Promise of Victory" (40.5%) had the highest frequencies, followed by "Qur'anic Models" (11.4%). In the second stage, this quantitative pattern was interpreted through qualitative content analysis. The results show that Imam Khomeini's discursive strategy was centered on two major axes: first, laying the theoretical foundations of an alternative form of government through the concept of a "Monotheistic Society," and second, mobilizing the masses and inspiring hope among revolutionaries through "Qur'anic promises of victory." The relatively limited use of Qur'anic models reflects his focus on broad social structures and foundational theoretical principles during that critical historical juncture.

Keywords: Imam Khomeini, Qur'anic citations, Political thought, Mixed-methods research, Discourse of the Islamic Revolution.

مطالعات اجتماعی
دوره چهارم
شماره اول
پیاپی: ۷
بهار و تابستان
۱۴۰۴

1. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Ali.zareei@iau.ac.ir.

2. Postdoctoral Researcher, Department of History, Arak University, Arak, Iran.
reza.muhammadi90@gmail.com



تحلیل محتوای استنادات قرآنی امام خمینی (ره) در بیانات قبل از پیروزی انقلاب

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۱۰)

علی زارعی^۱
رضا محمدی^۲

چکیده

این پژوهش در نظر دارد تا با استفاده از روش پژوهش ترکیبی، به جایگاه آیات قرآن کریم در اندیشه تاریخی امام خمینی (ره) بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که اساساً آیات قرآن چه جایگاهی را در اندیشه تاریخی امام داشته است؟ در مرحله اول که از روش کمی استفاده شد، با روش آماری خی دو، تک نمونه‌ای در محیط نرم افزار SPSS به تحلیل داده‌های کمی پرداختیم. نتایج داده‌های کمی بیانگر آن هستند که در سه مولفه‌ی ایجاد جامعه توحیدی - اسلامی، وعده پیروزی و الگوهای قرآنی، به تعداد ۷۹ مورد استناد به آیات در کتاب‌های صحیفه امام و ولایت فقیه برخورد نمودیم. ایجاد جامعه توحیدی - اسلامی ۳۸ مورد (۴۸.۱٪)، وعده پیروزی ۳۲ مورد (۴۰.۵٪) و الگوهای قرآنی ۹ مورد (۱۱.۴٪) بود. در مرحله دوم به تبیین این داده‌ها با روش کیفی (توصیفی - تحلیلی) پرداختیم و به نتایج زیر دست یافتیم. بیشترین استناد به ایجاد جامعه توحیدی - اسلامی است که در فضای پیش از انقلاب مهمترین هدف امام را تشکیل می‌داد. امام برای تحقق این هدف به وعده‌هایی که قرآن به مسلمین داده است استناد و از الگوهای قرآن مثل ابراهیم (ع)، موسی (ع) و محمد (ص) و مشابَهت سازی فرعون و شاه استفاده نمود.

واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، قرآن کریم، اندیشه تاریخی، انقلاب اسلامی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده

مسئول) Ali.zareei@iau.ac.ir

۲. پسادکتری گروه تاریخ، دانشگاه اراک، اراک، ایران. reza.muhammadi90@gmail.com





۱. مقدمه

قرآن به عنوان کتاب راهنما و چارچوب دین مبین اسلام، باعث ایجاد تحول بنیادین در تاریخ منطقه و غرب آسیا گردید و پیامبر اسلام با تاکید بر همین آیات، توانستند، جامعه‌ای را در شبه جزیره پایه‌گذاری نمایند که به صورت نسبی در حکومت‌های اسلامی بعدی الگو قرار گرفت. با توجه به این الگو، فرهنگ و تمدن‌های بزرگی، چون فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی شک گرفت. از این رو با تاکید بر این گذشته پربار از اندیشه تاریخی، امام خمینی (ره) سعی در بازآفرینی این اندیشه، در تاریخ معاصر را داشتند. امام سعی نمود با اشاره به آیات قرآن کریم مردم را به یک جامعه توحیدی - اسلامی رهنمود نماید. هدف امام تاسیس حکومتی بود که از قرآن و تعالیم ائمه (ع) ریشه گرفته باشد.

این پژوهش سعی دارد تا با استفاده از روش پژوهش ترکیبی به این سوال پاسخ گوید که جایگاه قرآن کریم در اندیشه تاریخی امام چه بوده و از چه الگویی تبعیت می‌کرده است؟

فرضیه پژوهش نیز بر این امر استوار است که امام خمینی در پیش از انقلاب با استناد به آیات قرآن کریم، سعی بر برپایی و ایجاد جامعه‌ای توحیدی داشت و ایشان با آیات قرآن، به مردم وعده پیروزی حق بر علیه باطل می‌دادند.

۲. چپستی روش ترکیبی

رویکرد ترکیبی یا پژوهش‌های چندوجهی/چندروشی، کمی و کیفی، آمیخته، بهم تنیده، نوعی از پژوهش است که در آن محقق یا محققان با بکارگیری مجموعه‌ای از روش‌های کمی و کیفی که اساس آنها پارادایم‌های گوناگون است، بررسی موقعیت نامعین را میسر می‌کنند و فرایند آن را تسهیل می‌نمایند (بازرگان، ۱۳۹۵: ۱۵۶). به عبارت دیگر، این نوع تحقیق، که از نظر فلسفی مبتنی بر رویکرد پراگماتیسم است، با تاکید بر همگرایی پارادایمی، درصدد ترکیب هردو رهیافت کمی و کیفی، در یک مطالعه واحد به طور هم‌زمان، متوالی یا تغییر پذیر (محمدپور و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۷) و تحلیل داده‌ها به دو صورت عددی و کلامی و تاکید بر استدلال قیاسی و استقرایی است (حکیم زاده، عبدالملکی، ۱۳۹۰: ۲۸). در این رویکرد که به سرعت درحال تسری است، سوالی که در تحقیق پرسیده می‌شود، مهمتر از روش تحقیق است (حسنی، ۱۳۸۹، ۱۵۱). از این رو به عنوان یک روش، بر جمع‌آوری، تحلیل و تلفیق داده‌های کمی و کیفی در یک مطالعه منفرد، یا یکسری از مطالعات تمرکز می‌یابد (کرسول و کلارک، ۱۳۹۴: ۵-۶). در نهایت رویکرد ترکیبی به درک گسترده‌ای از مسائل پژوهشی منجر می‌گردد (کرسول، ۱۳۹۵: ۳۴۶).

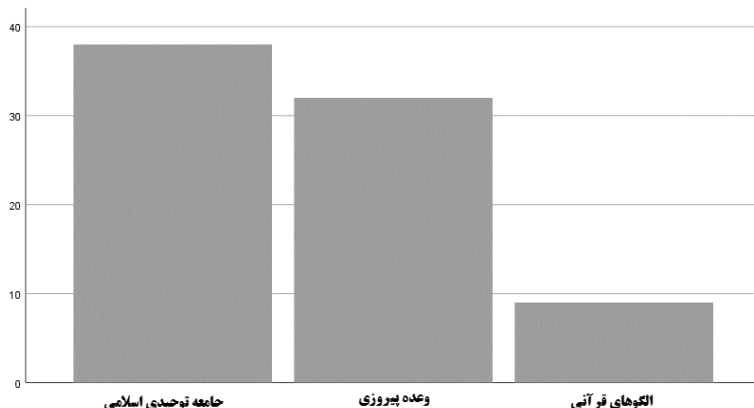
با این اوصاف، در این نوشتار برآن شدیم تا کاربرد و بررسی این نوع از روش در مطالعات تاریخی، با تاکید بر جایگاه آیات قرآن کریم در اندیشه تاریخی امام را مورد تحقیق قرار دهیم. بنابراین، ضرورت دارد ابتدا داده‌های کمی یا همان تعداد استنادات به آیات را گردآوری و سپس با گردآوری داده‌های کیفی ابعاد مختلف آن را آشکار کنیم. بنابراین روش کار ما در گردآوری داده‌ها به این صورت است که ابتدا داده‌های کمی، سپس داده‌های کیفی را گردآوری می‌نماییم و در انتها به تحلیل داده‌های ترکیبی خواهیم پرداخت.

۳. تحلیل داده‌های کمی:

پژوهش‌های کمی با تاکید بر پارادیم‌های اثبات‌گرایی و پسا اثبات گرایی تا قرن بیست و یکم به عنوان روش غالب در مطالعات رفتاری حاکم بود. این نوع پژوهش‌ها با مواردی از قبیل گردآوری، تحلیل، تفسیر و ارائه گزارشات عددی و آماری همراه هستند. (حکیم زاده و عبدالمملکی، ۱۳۹۰: ۲۶) بنابراین در این مرحله ابتدا با محیط نرم افزار SPSS به تحلیل داده‌های کمی می‌پردازیم.

جدول شماره ۱ - وضعیت توجه به مولفه‌های استخراج شده

مؤلفه	فراوانی	درصد فراوانی
جامعه توحیدی - اسلامی	۳۸	۱/۴۸
وعده‌های پیروزی	۳۲	۵/۴۰
الگوهای قرآنی	۹	۴/۱۱
کل	۷۹	۱۰۰



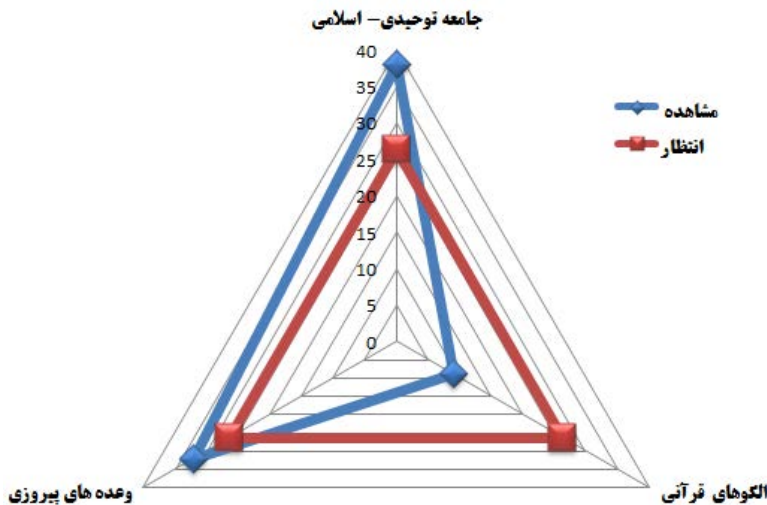
نمودار شماره ۱ - وضعیت توجه به مولفه‌های استخراج شده



سوال اول: آیا وضعیت توجه به استنادات قرآنی در اندیشه تاریخی امام متفاوت است؟

جدول شماره ۱ - آزمون خی دو تک نمونه وضعیت توجه به مولفه‌های استخراج شده

مولفه	مشاهده	انتظار	باقیمانده	خی دو	درجات آزادی	Sig.
جامعه توحیدی - اسلامی	۳۸	۳/۲۶	۷/۱۱			
وعده های پیروزی	۳۲	۳/۲۶	۷۵			
الگوهای قرآنی	۹	۳/۲۶	-۳/۱۷	۷۹۷/۱۷	۲	+++ / ۰
کل	۷۹					



نمودار شماره ۲ - وضعیت مشاهده شده و مورد انتظار توجه به مولفه های استخراج شده

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، می‌توان گفت، مقدار خی دو^۱ حاصل،

۱. آزمون مجذور خی یا خی دو که با علامت ۸۲ نشان داده می‌شود یک آزمون آماری ناپارامتری است که برای داده‌هایی کاربرد دارد که از نوع اسمی می‌باشد. به عبارت دیگر داده‌هایی که به صورت فراوانی در می‌آیند، می‌توان از آمار خی دو جهت تحلیل آن‌ها استفاده نمود. فرمول کلی خی دو به شکل زیر می‌باشد (اصغری جعفرآبادی و دیگران، ۱۳۹۲).

$$\chi^2 = \sum \frac{(f_o - f_e)^2}{f_e}$$

برابر با ۶۶/۰۰۰ می باشد که این مقدار در سطح ۰/۰۱ معنادار است، یعنی با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت که وضعیت توجه به استنادات امام، دارای تفاوت معنادار با یکدیگر است. به طوری که ایجاد جامعه توحیدی - اسلامی ۳۸ مورد (۴۸.۱٪)، وعده پیروزی ۳۲ مورد (۴۰.۵٪)، الگوهای قرآنی ۹ مورد (۱۱.۴٪)، استناد به آیات قرآن کریم شده است. بدین ترتیب ایجاد جامعه توحیدی - اسلامی، بیشترین استناد امام خمینی در دوره قبل از انقلاب بود.

۴. تحلیل داده های کیفی:

سوال دوم: آیا نتایج حاصل از تحلیل کمی وضعیت توجه به استنادات آیات قرآن کریم در اندیشه تاریخی امام، قابلیت تبیین کیفی را دارد؟
در این بخش به تحلیل و بررسی استنادات امام به آیات قرآن از سال های اولیه مبارزات ایشان با روش توصیفی - تحلیلی برای پاسخ گویی به سوال فوق است.

۴-۱. تلاش برای ایجاد جامعه توحیدی - اسلامی

تشکیل جامعه توحیدی - شبیه جامعه پیامبر (ص). از آرمان های اولیه اندیشه تاریخی امام (ره) پیش از انقلاب بود. براساس تعالیم قرآن، آرمان انبیا، برقراری جامعه ای سالم و عاری از مفسد اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و در تعبیر قرآنی «حیاه طیبه» بود (هزاوه ای: ۱۳۸۰). از این رو امام نیز سعی در ایجاد یک چنین جامعه ای داشت. در قدیمی ترین سندی که از امام در دست است و تاریخ تدوین آن به سال های ۱۳۲۳ ه.ش برمی گردد، به آیتی از قرآن استناد نموده که به قیام برای خدا و هجرت برای خدا و رسولش اشاره دارد. «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا» (سبا: ۴۶). وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ (نسا: ۱۰۰) (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۲۱/۱-۲۲).

آیه اول خطاب به پیامبر اسلام (ص) است و به ایشان دستور داده شده که مردم را با دلائل مختلف به سوی حق دعوت کند و از گمراهی باز دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸/۱۳۴) و آیه دوم درباره هجرت به سوی خدا و رسول است و کنایه از مهاجرت به سرزمین اسلام، سرزمینی که انسان ها می توانند در آنجا با کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص) آشنا شده و سپس به آن دو عمل کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/۸۳). بنابراین امام دعوت به قیام و هجرت را مطابق با قرآن و سنت دنبال می نمود (افتخاری و مرتضوی امامی، ۱۳۹۱: ۱۷). بر همین اساس بود که امام در پیامی به انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا گفتند: «بر



شما جوانان روشنفکر است که از پای ننشینید تا خواب رفته‌ها را از این خواب مرگبار برانگیزانید و با فاش کردن خیانت‌ها و جنایت‌های استعمارگران و پیروان بی‌فرهنگ آنها غفلت زده‌ها را آگاه نمایید و از اختلاف کلمه و تفرقه و هواهای نفسانی که رأس همه فسادهاست احتراز کنید و به خداوند تبارک و تعالی روی نیاز آورید که شما را در این راه هدایت فرماید و با جنود فوق طبیعت کمک کند: **اِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَتَقَدَّسَ: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ** (عنکبوت: ۶۹) (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۴۳/۲). کلمه جاهدوا در این آیه از جهد و به معنای وسع و طاقت است، و مجاهده به معنای به کار بردن آخرین حد وسع و قدرت در دفع دشمن است، و جهد بر سه قسم است، جهد با دشمن ظاهری، و جهد با شیطان، و جهد نفس (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۸) و معنای جاهدوا فینا، این است که جهدشان همواره در راه خداست و این تعبیر کنایه از این است که جهدشان در اموری است که متعلق به خدای تعالی است، چه جهد در راه عقیده و چه در راه عمل باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۲۲۸).

امام در قسمتی دیگر از استنادات خود، مکر^۱ دشمنان اسلام، داخلی و خارجی، را نابود شده می‌داند. امام در سخنرانی برای جمعی از اهالی تهران در لغولایحه انجمن‌های ایالتی به سوره فیل استناد می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۰۳/۱). سوره فیل راجع به سوء قصد و کیدی است که پادشاه یمن به نام ابرهه بن صباح درباره خانه کعبه داشت و می‌خواست آن را ویران کند، که نقشه آن، نقش بر آب شد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۶۲۲). امام در استناد دیگر خود به بخشی از آیه ۵۴ سوره آل عمران و ۳۰ سوره انفال به **وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ** استناد می‌کند. منظور از مکر کنندگان در این آیه، بنی اسرائیل هستند که علیه عیسی (ع) توطئه کردند (همان، ۳/۳۲۳) و آیه ۳۰ سوره انفال، شرح مکر مشرکین در دار الندوة علیه پیامبر (ص) بوده است (همان: ۸۶/۹). در هردو مورد، مکر دشمنان حضرت عیسی و محمد نابود شد و آنان نتوانستند بر علیه پیامبران اقدامی صورت دهند. امام نیز با علم به این امر و با تجربه تاریخی، قرآنی از آن، مکر دشمنان اسلام را نابود شده می‌دانستند. هرچند امام در مسیر مبارزاتی خود، رنجی از جمله تبعید را تجربه نمود اما در نگاه توحیدی خود همه امور را از جانب خدا دانسته و تبعید خود از ایران را خواست خداوند می‌دانست و می‌گفت: «خداوند تعالی آنچه مقدر فرموده

۱. راغب می‌گوید کلمه مکر به معنای به کار بردن حيله برای منصرف کردن کسی از مقصودش می‌باشد، و این به دو صورت است، یکی ممدوح و یکی مذموم، مکر ممدوح آن است که به منظور عمل صحیح و پسندیده‌ای انجام شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۷۲).

است صلاح است و واقع خواهد شد: عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱/۴۷۳).

همچنین ایشان، ایجاد یک حکومت اسلامی که دلخواه ملت و خواست خدای باشد را جامعه ایده‌ال می‌دانست و برای تایید سخنان خود به آیات «إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ (فتح: ۱۰) و «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى (انفال: ۱۷)» استناد کرد (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۴/۴۶۰). بیعت به معنای پیمان بستن برای فرمان برداری و اطاعت از کسی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۵۵) و چنین مرسوم بوده که آن‌کس که پیمان اطاعت می‌بست دست خود را در دست رهبر می‌گذاشت و پیمان وفاداری را از این طریق آشکار می‌نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/۴۴-۴۶). این تعبیر کنایه از آن است که بیعت با پیامبر اسلام (ص) یک بیعت الهی است، گویا دست خدا بالای دست آنها قرار گرفته، نه تنها با پیامبرش که با خدا بیعت می‌کنند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲/۱۱۸۳). با دقت در شأن نزول آیه ۱۷ سوره انفال، مشخص می‌شود که این آیه اشاره به جنگ بدر دارد و جمله «ما رمیت...» اشاره به آن مشت خاکی است که پیامبر (ص) به سمت مشرکان پاشید. منظور از قتل هم اشاره به کشتن مشرکان به وسیله شمشیر به دست مسلمانان می‌باشد. پس جا دارد این کشتن و بستن و این سنگ‌ریزه پاشیدن و فراری دادن همه به خدای سبحان نسبت داده شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹/۴۷). در واقع می‌توان هدف خدای متعال از این آیه را این‌گونه بیان کرد که این کار هم کار مسلمانان بود و هم کار خدا، کار آنها بود؛ چون با اراده آنها انجام گرفت و کار خدا بود، چون نیرو و مدد از جانب خدا بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/۱۱۵).

امام برای ایجاد جامعه توحیدی از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران برای اتحاد بین نیروهای انقلابی علی‌الخصوص جوانان استفاده کرد. ایشان در این باره می‌گوید: «طبقه جوان روشن بین در خارج و داخل روابط خود را محکم و در زیر پرچم اسلام که تنها پرچم توحید است یکدل و یکصدا از حق انسانیت و انسانها دفاع کنند تا به خواست خداوند متعال دست اجانب از کشورهای اسلامی قطع شود. و باید با کمال هوشیاری از عناصر مرموزی که در صدد تفرقه بین انجمنهای اسلامی هستند و مطمئناً از عمال اجانب هستند احتراز کنند و آنها را از جمع خود طرد نمایند. وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (خمینی، ۱۳۸۹: ۳/۲۰۸) آیه ۱۰۳ سوره آل عمران درباره دو طایفه اوس و خزرج نازل شده که در میان آن‌ها نزاع و کشمکش بوده است. تا این که خداوند پیامبر اسلام را به ظهور رسانید و آنان، به دین اسلام گرویدند و از برکت آن، کینه و دشمنی از میان آنان رفت (طبرسی،



۱۴۲۷: ۲/ ۲۸۶). در جای دیگر می‌گوید: «لازم است جوانان کم تجربه گول خورده ما را با آشکار کردن انحراف سایر مکاتیب و آشنا نمودن با نظام اسلامی نجات دهید. وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً (خمینی، ۱۳۸۹: ۳/ ۳۲۴) به نظر می‌رسد منظور آیه این باشد که افراد را در صورت امکان باید به راه حق دعوت کرد و امام خمینی به عنوان پرورش یافته مکتب پیامبر (ص) در این امر سعی وافر داشتند تا مردم و علی‌الخصوص جوانان را به اسلام دعوت کنند و آنان را از انحراف برحذر دارند.

یکی از راهکارهای ایجاد جامعه توحیدی - اسلامی، عدم تسلط کافران بر مسلمانان است. امام در مخالفت با کاپیتولاسیون و دعوت مردم و علما به قیام به آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) استناد نمودند. علی بن ابراهیم قمی، شأن نزول آیه را در مورد کناره گیری عبدالله بن ابی و یاران او از لشکر اسلام در جنگ احد دانسته است (قمی، ۱۴۳۵: ۱/ ۲۲۹). اما فقها و علی‌الخصوص امام خمینی، در مسائل مختلف فقهی، برای اثبات عدم تسلط کفار بر مؤمنان، به این آیه استناد می‌کنند (قرائتی، ۱۳۸۵: ۲/ ۱۹۰).

بر اساس آموزه‌های قرآن، تنها عامل واقعی برتری انسان‌ها نزد خداوند تقوا است. امام در این باره می‌گوید: «همین نژادبازی که اسلام آمد و قلم سرخ روی آن کشید، و ما بین سیاه و ما بین سفید، ما بین ترك و ما بین عجم، ما بین عرب و ما بین غیر عرب هیچ فرقی نگذاشت، و فقط میزان را تقوا، میزان را از خدا ترسیدن، تقوای واقعی، تقوای سیاسی، تقوای مادی، تقوای معنوی، میزان را این طور قرار داد اِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (حجرات: ۱۳) ترك و فارس ندارد، عرب و عجم ندارد، اسلام نقطه اتکاست» (خمینی، ۱۳۸۹: ۱/ ۳۷۸). بنابراین امام سعی نمود چون پیامبر جامعه براساس تقوا ایجاد نماید. در جاهلیت اصل بر محور «تفاخر به آباء و اموال و اولاد» بود، اما پیامبر اسلام این اصل را منفور دانسته و آن را با اصل تقوا جایگزین نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/ ۲۰۳).

از منظر امام خمینی احکامی که راجع به حفظ نظام اسلام و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام است، بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد. مثلاً این حکم: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» (انفال: ۶۰) که امر به تهیه و تدارک هر چه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی به طور کلی است؛ و امر به آماده باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش دارد (خمینی، بی تا: ۳۳). همچنین تمام آیاتی که برای جزئیات و حدود آمده است مثل «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» (نور: ۲) (همان: ۶۸)، «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ

لِلَّهِ حُكْمُهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ) (انفال/ ۴۱)، «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (توبه/ ۱۰۵) و «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸) (همان: ۸۴) که در آیه آخر رسول اکرم (ص) ولایت را به امیرالمؤمنین (ع) و آن حضرت هم به ولی بعد از خود واگذار می‌کند و همین طور ادامه می‌یابد تا به علما می‌رسد. در ادامه امام با استناد به آیه «لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبِّيُّونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ، لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (مائده: ۶۳)، ربانیون و اخبار را مورد نکوهش قرار می‌دهد که چرا ستم‌کاران را از قول گناه و حرام خواری نهی نکرده‌اند. از نظر امام این نکوهش و تقبیح اختصاص به علمای یهود و نصاری ندارد. بلکه علمای جامعه اسلامی و به طور کلی علمای دینی را شامل می‌شود. این امر مربوط به همه نسل‌ها گذشته و آینده است. بنابراین امام خمینی این موضوع را با استناد به آیات قرآن تایید نمود، تا علمای جامعه اسلامی هم عبرت بگیرند و بیدار شوند و از ادای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر باز نایستند (خمینی، بی‌تا: ۱۱۲).

۲-۴- وعده پیروزی

مرحله دوم از استنادات امام به آیات قرآن، به وعده پیروزی اختصاص دارد. امام با توجه به آیه «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» بر این امر تاکید داشتند که مسلمانان و مومنان هیچگاه شکست نمی‌خورند هر چند در ظاهر شکست بخوردند، در باطن پیروز هستند (خمینی، ۱۳۸۹: ۸/ ۱۱۹) این آیه به عنوان تسلیت برای مسلمین به خاطر جراحت و کشتاری که در غزه احد به آنان وارد شده بود، نازل گردید (قمی، ۱۴۳۵: ۳۱۹). تهنوا از وهن گرفته شده و در لغت به معنی هر نوع سستی است، خواه در جسم و تن باشد، و یا در اراده و ایمان. کلمه وهن به طوری که راغب گفته به معنای ضعف در خلقت، و یا در خلق است، و منظور از آن در اینجا ضعف مسلمین از حیث عزم و اهتمام بر اقامه دین و بر قتال با دشمنان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۷) و کلمه حزن به معنای اندوه است (همان: ۲۳۱) بنابراین کسی که به خدا اعتقاد دارند و نگاه توحیدی دارند، با توجه به آیات قرآن نباید، سستی به خود راه دهد و غمگین گردد و از پیروزی مایوس شود، جمله «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» یعنی شکست شما در حقیقت برای از دست دادن روح ایمان و آثار آن بوده و باز هم غمگین نباشید اگر بر مسیر ایمان ثابت بمانید پیروزی نهایی از آن شما است و شکست در يك میدان، به معنی شکست نهایی در جنگ نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰۸/ ۳). همین رویکرد در استنادات امام به آیه إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ (توبه: ۵۲) مشاهده می‌گردد. امام در این باره می‌گوید: «ما تکلیف الهی خود را ان شاء الله



ادا خواهیم کرد؛ و به إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ^۱ نایل خواهیم شد: یا قطع دست خائنین از حریم اسلام و قرآن کریم؛ و یا جوار رحمت حق جلّ و علا» (خمینی، ۱۳۸۹: ۱/۱۸۳) بنابراین می‌توان گفت راز اصلی همه پیروزی‌های مسلمانان در گذشته و حال این بود که در هر حال پیروزند، کشته شوند یا دشمن را بکشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷/۴۴۵).

امام با استناد به آیه ۱۷ سوره رعد: «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ» حق را پیروز و باقی می‌داند و باطل را نابود شدنی (خمینی، ۱۳۸۹: ۱/۳۵۳) همچنین آیه «أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ» (هود: ۸۱) (خمینی، ۱۳۸۹: ۳/۳۵۵) درباره نزدیک بودن پیروزی است. مورد دیگر، استناد به آیه «وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» (توبه: ۴۰) (همان: ۱/۲۲۴) است. این آیه درباره مشرکین مکه در دار الندوة است که آنان می‌خواستند دسته جمعی پیامبر (ص) را به قتل رسانند. و مقصود از کلمه خدا، وعده نصرت است که به پیامبر (ص) داده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹/۳۷۶).

استناد دیگر امام به آیه ۷ سوره محمد است. امام در نامه‌ای که به محمد تقی فلسفی در اعتراض به انجمن‌های ایالتی و ولایتی نوشته است به این آیه از قرآن استناد نموده که: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷). این آیه مؤمنین را تحریک می‌کند به جهاد، و وعده نصرتشان می‌دهد، در صورتی که خدا را نصرت دهند. و منظور از نصرت دادن به خدا جهاد در راه خدا و تنها به منظور تایید دین او و اعلاّی کلمه حق است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸/۳۴۷). این آیه تشویق مؤمنان به مساله پیکار با دشمنان حق است، به تعبیری آنها را تشویق به جهاد می‌کند. یاری کردن خدا به وضوح به معنی یاری کردن آئین او است، یاری کردن پیامبر او، و شریعت و تعلیمات او (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱/۴۲۵).

آیه ۲۲۷ سوره شعرا «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» درباره عاقبت ظلم ستمکاران است که امام این استناد را در پاسخ به اظهار همدردی آیت الله میلانی در حمله عوامل عمال شاه به مدرسه فیضیه استناد می‌کنند. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه بر این نظر است که گرچه بعضی از مفسران، خواسته‌اند این بازگشت و سرنوشت را منحصرأ همان آتش دوزخ، معرفی کنند، ولی هیچگونه دلیلی برای محدود ساختن آن نداریم، بلکه ممکن است شکست‌های پی‌در پی که در جنگ‌های بدر و مانند آن دامن مشرکان را گرفت و ضعف و ذلتی

۱. اشاره به آیه ۵۲ سوره توبه: یکی از دو پیروزی [یا پیروزی ظاهری یا شهادت، که آن نیز فوزی عظیم است].

که سرانجام در این دنیا نصیبشان شد علاوه بر شکست آخرت در مفهوم این تهدید جمع باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۸۰/۱۵). با همین رویکرد، امام نیز جایگاه شاه و عمال وی را در دنیا و آخرت ضعیف و ذلیل می‌دانست و با استناد به آیه ۱۴ سوره فجر «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ» می‌خواهد بفهماند خدای تعالی مراقب اعمال بندگان است. در این آیه داستان عذاب کردن طاغیان و فساد انگیزان امت‌های گذشته را تعلیل می‌کند و می‌فهماند که اگر آنان را عذاب کرد به خاطر این است که او رب است، و سنت او بر همین معنا جاری است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۷۲/۲۰). بر همین اساس، امام برای برچیدن بساط نظام شاهنشاهی و ظلم، با استناد به آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) وعده پیروزی را به مستضعفین می‌دهد. ایشان در این باره می‌گوید: «اراده خداوند تعالی بر آن است که با رهبری حکیمانه انبیای عظام و وارثان آنان، مستضعفین را از قید حکومت طاغوتی آزاد و سرنوشت آنان را به دست خودشان بسپارد؛ باید در این امر الهی ملت عزیز به دنبال روحانیون مسئول این راه حیات را طی کنند» (خمینی، ۱۳۸۹: ۴۳۷/۳). این ایه درباره وعده به مؤمنین است، مؤمنینی که در مکه، عده اندکی بودند و مشرکین قریش آنان را ضعیف می‌شمردند. خداوند در این آیه به آنان وعده می‌دهد که به زودی بر آنان منت نهاده و پیشوایان مردم قرارشان می‌دهد و رسول خدا (ص) را دوباره به وطن باز خواهد گردانید (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/۱۶). امام نیز با همین رویکرد و با استناد به آیه ۸ سوره منافقون «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» بر این عقیده بودند که اگر مسلمانان که در جهان ضعیف واقع شده‌اند، اسلام را آن طوری که هست به دنیا معرفی کنند، سیادت و بزرگی با آنان است (خمینی، ۱۳۸۹: ۳۵/۲). امام با استناد به آیه: «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ (انفال: ۴۲)» (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۷۰/۲) وعده پیروزی مردم را می‌دهد. این ایه درباره جنگ بدر است و منظور این است که هر کس هلاک می‌شود با داشتن دلیل و تشخیص راه از چاه هلاک شده باشد و هر کس هم زنده می‌شود با دلیل روشن زنده شده باشد و به عبارت دیگر منظور از هلاکت و زنده شدن، هدایت و ضلالت است، چون ظاهراً چیزی که مرتبط با وجود بین و دلیل روشن باشد همین هدایت و ضلالت است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲۲/۹).

از دیگر وعده‌های امام توصیه به صبر و استقامت بود. امام در این باره می‌گوید: «مأیوس نباشید و به خود یأس را راه ندهید، قوی باشید و دیگران را تقویت کنید و تواصی به صبر و تواصی به حق کنید. خداوند با شما است» (خمینی، ۱۳۸۹: ۲/۲).



۱۷۰). امام با استناد به آیات زیر عامل پیروزی را در صبر و استقامت در راه حق می دانستند: «تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (عصر: ۳) وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ (نساء: ۱۰۴) إِنْ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت: ۳۰) وَعِدَ الْمُتَّقُونَ (فرقان: ۱۵) وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ* أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْتَخُونَ (بقره: ۱۵۴ - ۱۵۶) (همان: ۱۳۵/۲ - ۱۷۰/۲ - ۳/۳ - ۲۰۰/۲ - ۱۵۸/۱ - ۱۶۳ - ۱۶۵ - ۱۶۲/۳ - ۴۶۲)

آیه «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ» درباره اهل احد نازل گردید و ابوسفیان در دامنه کوه گفت: یا محمد، یوم لنا و یوم لکم یعنی یک روز نوبت ما بوده و یک روز هم نوبت شما است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جواب او را بدهند، مسلمین گفتند: ای ابوسفیان، کشته های ما در بهشت هستند و کشته های شما در دوزخ می باشند و با هم برابر نیستند (طبرسی، ۱۴۲۷: ۱۵۰). همچنین آیات ۱۵۴ - ۱۵۶ سوره بقره درباره صبر است. در این آیات و آیات قبل از آن، مؤمنان را امر فرمود تا از صبر و نماز کمک بگیرند، و نیز نهی فرمود از اینکه کشتگان راه خدا را مرده بخوانند و آنان را زنده معرفی کرد. لیکن در آیه مورد بحث به عموم شهادتی که ممکن است مسلمانان در راه مبارزه با باطل گرفتارش شوند، اشاره شده و آن عبارت است از خوف و گرسنگی و نقص اموال و جان ها (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۳۱/۱).

۳-۴- الگوهای قرآنی

انبیا الگوهای زندگی امام به ویژه زندگی مبارزاتی ایشان بودند (خمینی، ۱۳۸۹: ۲۰/۱۹۰) امام بر این عقیده بود که با ختم نبوت رهبری الهی تمام نمی شود بلکه در امامت و ولایت تداوم می یابد؛ چرا که خداوند در قرآن راه را بر هرگونه اطاعات غیر الهی بسته است (همان: ۱۷۴/۱۰) امام برای اثبات مطلب خود به پیروزی حضرت ابراهیم، موسی، عیسی و پیامبر اسلام استناد کرده و تنها علت پیروزی آنان را اطاعت از فرامین الهی می داند که برای خداوند قیام نموده اند (لک زایی، ۱۳۹۰: ۷۱) امام برای تایید سخنان خود به الگوهای قرآنی متوسل می شود: «قیام برای خداست که ابراهیم خلیل الرحمن را به منزل خَلَّتْ رَسَانَدَه و از جلوه های گوناگون عالم طبیعت رهانده قیام لله است که موسی کلیم را با یک عصا به فرعونیان چیره کرد و تمام تخت و تاج آنها را به باد فنا داد و نیز او را به میقات محبوب رساند و به

مطالعات تخصصی
و پژوهشی

دوره چهارم

شماره اول

پیاپی: ۷

بهار و تابستان

۱۴۰۴

مقام صَعَق^۱ و صَخَو^۲ کشاند. قیام برای خداست که خاتم النبیین - صلی الله علیه و آله - را یک تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت غلبه داد و بتها را از خانه خدا برانداخت و به جای آن توحید و تقوا را گذاشت و نیز آن ذات مقدس را به مقام قَابِ قَوْسَیْنِ اَوْ اُذُنَى^۳ رساند» (خمینی، ۱۳۸۹: ۲۱/۱-۲۲).

امام بر این عقیده بود که به حکم عقل و ضرورت ادیان، هدف بعثت و کار انبیا (ع) تنها بیان احکام نیست. بلکه، مهمترین وظیفه انبیا برقرار کردن یک نظام عادلانه اجتماعی از طریق اجرای قوانین و احکام است، که البته با بیان احکام و نشر تعالیم و عقاید الهی ملازمه دارد. امام برای تأیید سخنان خویش به آیه: «لَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَاَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) استناد می‌کند و تنها راه تحقق آن را تشکیل حکومت و اجرای احکام می‌دانست (خمینی، بی‌تا: ۷۰). در نتیجه در این هدف خود به الگوهای صدر اسلام استناد کرد و با اشاره به آیه ۲۱ سوره احزاب: «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»، بر این عقیده بود که مثل پیامبر اسلام که همه چیزش را فدای اسلام کرد تا پرچم توحید را به اهتزاز در آورد؛ «ما به حکم پیروی از آن بزرگوار باید همه چیزمان را فدا کنیم تا پرچم توحید برقرار ماند» (خمینی، ۱۳۸۹: ۳/۴۲۱). این آیه درباره نقش مؤمنان در جنگ احزاب است و پیامبر اسلام را بهترین الگو برای مومنان نه تنها در میدان نبرد که در تمام زندگی می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷/۲۴۲). استناد دیگر امام به آیه «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى... وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (ضحی: ۳ و ۵) و آیه «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ» (یوسف: ۵۶) بود. آیه اول اشاره به این دارد که حضرت محمد (ص)، همیشه مشمول لطف و عنایات خاصه خدا بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷/۹۸) و آیه دوم اشاره به داستان یوسف دارد. امام از این الگوها برای تکامل معنوی و اخلاقی و دینی ملت استفاده کرد تا اینکه ملت بتواند مدینه‌ای فاضله بسازد (خمینی، ۱۳۸۹: ۱/۲۵۷).

نقطه مقابل این الگوها، شخصیت‌های فرعون و شیطان مورد استناد امام قرار گرفت. از منظر امام، شاه چون شیطان، فریبنده است. ولی امام با استناد به آیه «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نسا: ۷۶) بر این عقیده بود که فریب شاه خیلی زود بر ملا گردید (خمینی، ۱۳۸۹: ۳/۴۶۰) و شاه مانند فرعون بود که انا

۱. بیهوشی و در اصطلاح عرفان به معنی فنای عبد سالک.

۲. هوشیاری و در اینجا بقای بالله پس از فنای فی الله. و بازگشت به عالم ناسوت برای امتثال امر رب جلیل.

۳. اشاره به آیه ۹، سوره نجم.



رَبُّكُمْ الْأَعْلَى (نازعات: ۲۴) گفت. امام بر این عقیده بود که انگیزه طغیان در همه است و فقط در فرعون نیست. «اگر انسان را سر خود بگذارند، اَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى خواهد گفت. انگیزه بعثت این است که این نفوس سرکش را و این نفوس طاغی را و یاغی را از آن سرکشی و از آن طغیان و از آن یاغیگری کنترل کند» (همان: ۱۴/۳۹۰). از این رو امام در سخنرانی که در جمع ایرانیان مقیم خارج درباره اظهار توبه شاه در تاریخ ۲ آذر ۱۳۵۷ در نوفل لوشاتو ایراد فرمود، شاه را با فرعون مقایسه کرد. در داستان فرعون است که هنگامی که فرعون دید که در حال غرق شدن است، گفت که من هم آن طوری که بنی اسرائیل می‌گویند، به همان ایمان آوردم. امام با استناد به آیه: «الْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (یونس: ۹۱) شاه را با فرعون مقایسه می‌کند و می‌گوید: «ایشان هم بعد از اینکه بیست و چند سال، بیست و هفت سال خیانت‌ها را کرد و جنایت‌ها را کرد، آن وقت که عذاب نازل شد، عذاب عبارت از همین مشتهای گره کرده ملت ایران و فریادهای ملت ایران.... حالا که غرق را دیده، الآن این موج که در ایران پیدا شده است، موج استنکار،^۱ موج اینکه ما نمی‌خواهیم، موج نفی سلطنت محمد رضا خان و سلسله او، حالا که خودش را در این موج دید و غرق دیده، حالا در مقابل ملت می‌ایستد و اظهار ندامت می‌کند، می‌گوید که من تا حالا اشتباه کردم و حالا دیگر از این به بعد این اشتباهات نمی‌شود.... این شبیه همان مسئله فرعون است با يك اختلاف؛ فرعون بعد از اینکه دید که حالا دیگر دارد غرق می‌شود گفت که آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ» (یونس: ۹۰). جوابش این بود که نه، دیگر گذشت. دیگر مطلب... تو تا حالا معصیت کردی، تا حالا طغیان کردی، بنی اسرائیل را به بند کشیدی، ظلم کردی، حالا که می‌بینی عذاب نازل شده و غرق تویی کار است، حالا می‌گویی که من معصیت کردم! حالا که عذاب نازل شده می‌گویی معصیت کردم؛ من توبه کردم. این مثل توبه‌ای می‌ماند که بعد از اینکه مُرد و عذاب جهنم را دارد می‌بیند، بگوید من توبه کردم! این توبه نیست؛ اصلش توبه نیست این. ایشان هم بعد از اینکه عذاب را نازل دید و آن چیزی که خداوند به دست این ملت اجرا فرمود و آن استنکار و مقابله با مشیت در مقابل مسلسلها، حالا دیگر می‌بیند که غرق شده است و عذاب نازل شده است، حالا می‌گوید که من اشتباه کردم و از این به بعد دیگر اشتباه نمی‌کنم (همان: ۵/۸۳ - ۸۴) و در ادامه با استناد به آیه «فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِدَنِكَ» (یونس: ۹۲) به شاه توصیه می‌کند که چون فرعون «لا اقل بدنت را نجات بده.. تو نمی‌توانی بدنت را هم نجات بدهی!

مطالعات اجتماعی
رضوانی

دوره چهارم

شماره اول

پیاپی: ۷

بهار و تابستان

۱۴۰۴

تو دیگر نمی‌توانی نجات بدهی خودت را. لا اقل اگر چنانچه اظهار ندامت می‌کنی و راست می‌گویی که نادم هستی، لا اقل دیگر شمشیر نکش (همان: ۵/ ۸۷).

۵. نتیجه‌گیری یا تحلیل داده‌های ترکیبی

تحلیل داده‌های کمی در مرحله اول، نشان داد، که در سه مولفه‌ی ایجاد جامعه توحیدی - اسلامی، وعده پیروزی و الگوهای قرآنی، به تعداد ۷۹ مورد استناد به آیات در کتاب‌های صحیفه امام و ولایت فقیه جمع‌آوری شد. ایجاد جامعه توحیدی - اسلامی ۳۸ مورد (۴۸.۱٪)، وعده پیروزی ۳۲ مورد (۴۰.۵٪) و الگوهای قرآنی ۹ مورد (۱۱.۴٪) بود. در مرحله دوم به تبیین این داده‌ها با روش توصیفی - تحلیلی پرداختیم و به نتایج زیر دست یافتیم. بیشترین استناد به ایجاد جامعه توحیدی - اسلامی است که در فضای پیش از انقلاب مهمترین هدف امام را تشکیل می‌داد. این امر بدان علت بود که در گفتمان پیش از انقلاب هدف ایجاد يك جامعه توحیدی مشابه جامعه پیامبر بود. امام در تلاش برای ایجاد جامعه توحیدی - اسلامی به آیات قیام، مهاجرت، استقامت، جهاد، بیعت برای خدا، مکر خدا، تقدیر الهی، اتحاد بین مسلمین، نجات مسلمانان، عدم تسلط کافران بر مسلمانان، برتری تقوا و اجرای حدود الهی، افزایش نیروی مسلح و دفاعی، خمس و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و... استناد نمودند.

امام در تحقق این امر، به وعده پیروزی حق بر باطل متوسل شدند که از آیات قرآن استناد شده بود. این امر در مرحله دوم از استنادات امام چه به لحاظ کمی و چه کیفی قرار داشت. استناد به آیاتی با مضمون: عدم سستی و ناراحتی، وعده نصرت الهی، جایگاه و عاقبت ستمکاران، شهادت یا پیروزی، وعده به متقیان، پیروزی نهایی حق (خدا و پیامبران و مومنان)، خداوند در کمین کافران، توصیه به صبر و استقامت، نزدیک بودن پیروزی، پیروزی مستضعفان، بشارت به صابران.

در مرحله آخر الگوی امام را پیامبران و امامان (که در اینجا به لحاظ محدودیت فقط به استنادات پیامبران پرداخته شد) تشکیل می‌دادند. امام با استناد به پیامبرانی چون یوسف، ابراهیم، موسی و مقایسه شاه با فرعون و شیطان در تلاش برای جداسازی نیروهای حق و باطل و پیروزی قیام بود.

پیوست ۱: جدول فراوانی ها

ردیف	آیه	موضوع	مستندات	تعداد
		مضمون فرعی		
مضمون اصلی : تلاش برای ایجاد جامعه توحیدی-اسلامی				
۱	قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفَرَادَىٰ (سبا: ۴۶)	قیام برای خدا	صحیفه امام ج ۱ / ۲۱ - ج ۴ / ۱۰۸ - ج ۵ / ۳۴ و ۹۱ و ۱۰۰ و ۱۶۶ و ۲۸۲ - ج ۶ / ۱۰۵ و ۱۷۵	۹
۲	وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ (نسا: ۱۰۰)	مهاجرت برای خدا	ج ۱ / ۲۳	۱
۳	أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ * أَلَمْ يَجْعَلْ يَدَاهُمْ فِتْنَةً فِي تَضَلِيلٍ * وَارْسَلْ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ * تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ * فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ (سوره فیل) وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (آل عمران: ۵۴)	مکر خدا بالای هر مکرری	ج ۱ / ۱۰۳ و ج ۶ / ۴۴	۲
۴	عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ (بقره، ۲۱۶)	تقدیر الهی	ج ۱ / ۴۷۳	۱
۵	وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ. (عنکبوت: ۶۹)	جهاد در راه خدا	ج ۲ / ۱۴۳	۱
۶	إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثْ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمُسَوِّتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (فتح: ۱۰)	بیعت با خدا	ج ۴ / ۱۵۶ و ج ۵ - ۴۶ - ج ۵ / ۱۶ و ۳۶۸	۴
۷	وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى (انفال: ۱۷)	همه کارها از خدا	ج ۴ / ۴۶۰ - ج ۵ / ۱۶ و ج ۶ - ۳۶۸	۴
۸	وَاعْتَصِمُوا بِخِلْ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران: ۱۰۳)	اتحاد بین مسلمانان	ج ۳ / ۲۰۸ و ۳۱۸ - ج ۶ / ۱۶۰	۳
۹	وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (مائدة: ۳۲)	نجات مسلمان	ج ۳ / ۳۲۴	۱
۱۰	لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱)	عدم تسلط کافران بر مسلمانان	ج ۱ / ۴۰۹ - ج ۴ / ۳۱۷	۲
۱۱	إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ (حجرات: ۱۳)	تقوا	ج ۱ / ۳۷۸	۱

ردیف	آیه	موضوع	مستندات	تعداد
		مضمون فرعی		
۱۲	وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ (انفال: ۶۰)	افزایش نیروی مسلح و دفاعی	ج ۲/۲۰۰ - ولایت فقیه: ۳۳	۲
۱۳	«الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً» (نور: ۲)	اجرای حدود الهی	ولایت فقیه: ۶۸	۱
۱۴	وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى. (انفال: ۴۱)	خمس و زکات	همان: ۷۱	۱
۱۵	«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ، إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا.» (نساء: ۵۹-۵۸)	اطاعت از اولی الامر	همان: ۸۳-۷۱	۲
۱۶	«يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ.» (نساء: ۶۰)	حاکم و قاضی	همان: ۸۹	۱
۱۷	«لَوْ لَا يَنْهَايُهُمُ الرَّبِّيبُونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السَّخْتَ، لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ.» (معهده: ۶۳)	امر به معروف و نهی از منکر	همان: ۱۱۲-۱۱۷	۲
وعده پیروزی				
۱۸	وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)	عدم سستی و ناراحتی	صحیفه امام: ج ۱/ ۱۹ و ۲۳۰ - ج ۲/ ۱۳۱ و ۲۰۰ - ج ۳/ ۳	۵
۱۹	إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِثْ أَقْدَامَكُمْ (محمد: ۷)	وعده نصرت الهی	ج ۱/ ۸۴ و ۲۳۰ و ج ۲/ ۳	۱۱
	وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا. (توبه: ۴۰)	پیروزی نهایی	ج ۱/ ۲۲۳	
	فَأَمَّا الزُّبَيْدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَ أَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ (رعد: ۱۷)	حق	ج ۱/ ۳۵۳	
	إِذْخِرِ الْحَسَنَيْنِ (توبه: ۵۲)	شهادت یا پیروزی	ج ۱/ ۱۸۳ - ج ۲/ ۱۹۹ - ج ۳/ ۲۶	
	أَلَيْسَ الصَّنَجُ بِقَرِيبٍ؟ (هود: ۸۱)	پیروزی نزدیک است	ج ۳/ ۲۵۵	۱۱
	وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص: ۵)	پیروزی مستضعفان	ج ۳/ ۴۳۷	

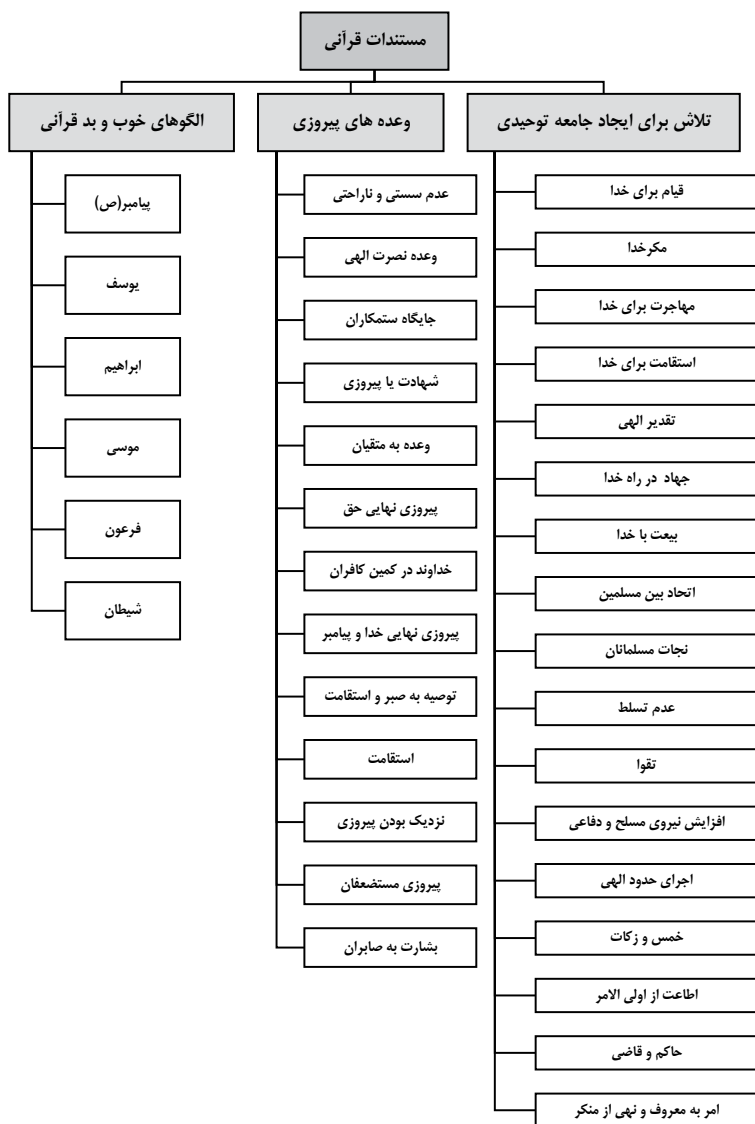


ردیف	آیه	موضوع	مستندات	تعداد
		مضمون فرعی		
۲۰	و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (شعرا: ۲۲۷)	جایگاه ستمکاران	ج ۱ / ۱۶۸ و ۲۶۱ و ۳۳۵	۳
۲۱	إِنَّ رَبَّكَ لَبَازِمٌ صَادٍ (فجر، آیه ۱۴) وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ (بروج: ۲۰)	خدا در کمین و احاطه کافران	ج ۲ / ۱۲۷	۱
۲۲	لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ (منافقون: ۸)	پیروزی نهایی خدا و رسول هلاک شدن باطل	ج ۲ / ۳۵ - ج ۳ / ۲۶۸ ج ۲ / ۱۶۹	۳
۲۳	لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ. (انفال: ۴۲)			
۲۴	تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (عصر: ۳) وَ لَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ (نساء: ۱۰۴) إِنْ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت: ۳۰) وَعِدَ الْمُتَّقُونَ (فرقان: ۱۵) وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ* أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (بقره: ۱۵۴ - ۱۵۶)	توصیه به صبر و استقامت بشارت به صابران	ج ۲ / ۱۳۵ - ج ۲ / ۱۷۰ - ج ۳ / ۳ - ج ۲ / ۲۰۰ ج ۱ / ۱۶۵ - ۱۶۳ - ۱۵۸ ج ۱ / ۱۶۲ ج ۳ / ۴۶۲	۹
الکوهای قرآنی				
۲۵	«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أُنْزِلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابُ وَ الْمِيزَانُ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید: ۲۵)	هدف از بعثت انبیا	ولایت فقیه: ص ۷۰	۱
۲۶	مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قُلَىٰ ... وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ (ضحی، ۵ - ۳) لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب: ۲۱)	پیامبر (ص)	صحیفه امام: ج ۱ / ۲۵۷ ج ۳ / ۴۲۱	۲
۲۷	وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ (یوسف: ۵۶)	یوسف (ع)	ج ۱ / ۲۵۷	۱
۲۸	أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَىٰ (نازعات: ۲۴) آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُوءَا إِسْرَائِيلَ* الْآنَ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَ كُنْتَ مِنَ الْمَفْسِدِينَ* فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَنِيكَ (سوره یونس: ۹۰ - ۹۲)	فرعون	ج ۳ / ۳۳۸ ج ۵ / ۸۳ - ۸۴ - ۸۷	۴
۲۹	إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا. (نساء: ۷۶)	شیطان	ج ۳ / ۴۶۰	۱



پیوست ۲ - الگوی مضمون آیات استناد شده توسط امام خمینی

تحلیل محتوای استنادات قرآنی امام خمینی (ره) در بیانات قبل از پیروزی انقلاب





فهرست منابع و مآخذ:

۱. اصغری جعفرآبادی، محمد و اکبر سلطانی، سیده مومنه محمدی (۱۳۹۲)، سری آمار: تحلیل جداول توافقی (آزمون کادو)، مجله دیابت و متابولیسم ایران، آذر-دی، دوره ۱۳ (شماره ۲) ۸۳-۸۳.
۲. افتخاری، اصغر و سی علی مرتضوی امامی (۱۳۹۱) مقایسه نظریه اقتدار کارزماتیک با رهبری امام خمینی (ره)، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، سال اول، شماره اول، تابستان. صص ۹-۲۸.
۳. بازرگان، عباس (۱۳۹۵) مقدمه بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته، رویکردهای متداول در علوم رفتاری، نشر دیدار، چاپ ششم.
۴. حسنی، محمدحسین (۱۳۸۹) درآمدی به روش شناسی تلفیقی در پژوهش های میان رشته ای علوم اجتماعی، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره دوم، شمار چهارم، پاییز، صص ۱۵۳-۱۳۷.
۵. حکیم زاده، فرزاد، جمال عبدالملکی (۱۳۹۰) پروپوزال نویسی در مطالعات کیفی و ترکیبی، انتشارات جامعه شناسان، چاپ اول.
۶. خمینی، روح الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، چاپ: ۵.
۷. خمینی، روح الله، ولایت فقیه (حکومت اسلامی - ویرایش جدید)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - تهران، چاپ ۱.
۸. ذکواتی قراگزلو علیرضا (۱۳۸۳)، اسباب النزول، نشر نی - تهران، چاپ اول.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم، الدار الشامیه - دمشق، بیروت، چاپ اول، ق.
۱۰. طباطبایی سید محمد حسین (۱۳۷۴) تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ پنجم.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۷) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت.
۱۲. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۸)، الأصفی فی تفسیر القرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی - قم، چاپ اول.
۱۳. قرآن کریم.
۱۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۵)، تفسیر نور، ناشر مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، کتاب دیجیتالی. gharaati.ir
۱۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۳۵)، تفسیر قمی، تحقیق و نشر موسسه امام مهدی، قم.
۱۶. کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۵) طرح پژوهش رویکردهای کمی، کیفی، ترکیبی، ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای توس، نشر انتشارات جهاد دانشگاهی - واحد علامه طباطبایی، چاپ سوم.
۱۷. کرسول، جان، ویکی پلانو کلارک، (۱۳۹۴) روش های پژوهش ترکیبی، ترجمه علیرضا کیامنش، جاوید سربای، نشر آبیژ، چاپ دوم.
۱۸. لک زایی، نجف (۱۳۸۶) سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی، نشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ هفتم،
۱۹. لک زایی، نجف (۱۳۹۰) درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی (رحمه الله)، نشر بوستان کتاب، چاپ چهارم.
۲۰. محمدپور، احمد، رسول صادقی و مهدی رضایی (۱۳۸۹) روش های تحقیق ترکیبی به عنوان سومین جنبش روش شناختی: مبانی نظری و اصول عملی، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره پیاپی (۲۸)، شماره دوم تابستان، صص ۷۷-۱۰۰.
۲۱. مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ اول.
۲۲. هزاوه ای، سید مرتضی (۱۳۸۰)، اصلاح و انقلاب درآموزه های قرآنی، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی، شماره ۱۵.

Resources:

1. The Holy Qur'an.
2. Asghari Jafarabadi, M., Soltani, A., & Mohammadi, S. M. (2013). Statistical Series: Analysis of contingency tables (Chi-square test). *Iranian Journal of Diabetes and Metabolism*, 13(2), 83–101.
3. Creswell, J. W. (2016). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches* (A. Kiamanesh & M. Danayi-Tous, Trans.). Tehran: Jihad Daneshgahi Press, Allameh Tabataba'i Branch, 3rd ed.
4. Eftekhari, A., & Mortazavi Emami, S. A. (2012). A comparison between the theory of charismatic authority and Imam Khomeini's leadership. *Iranian Journal of Islamic Revolution Studies*, 1(1), 9–28.
5. Fayz Kāshānī, M. (1418 AH). *Al-Aṣfī fī Tafsīr al-Qur'ān*. Qom: Islamic Propagation Office Press, 1st ed.
6. Hakimzadeh, F., & Abdolmaleki, J. (2011). *Proposal writing in qualitative and mixed-method studies*. Tehran: Sociologists Publications, 1st ed.
7. Hassani, M. H. (2010). An introduction to integrative methodology in interdisciplinary social research. *Interdisciplinary Studies in the Humanities Quarterly*, 2(4), 137–153.
8. Hazāveh'i, S. M. (2001). Reform and revolution in Qur'anic teachings. *Political Science Research Journal*, 15.
9. Khomeini, R. (2010). *Sahifeh-ye Imam* [Collected Works of Imam Khomeini]. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 5th ed.
10. Khomeini, R. (n.d.). *Velayat-e Faqih* (Islamic Government – New Edition). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 1st ed.
11. Lakzaei, N. (2011). *An Introduction to the Qur'anic Foundations of Imam Khomeini's Political Philosophy*. Qom: Buṣṭān-e Ketāb Publishing, 4th ed.
12. Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir-e Nemuneh* (The Exemplary Exegesis). Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah, 1st ed.
13. Qara'ati, M. (2006). *Tafsir-e Noor* (Lessons from the Qur'an). Tehran: Dars-hā-ye Az Qur'an Cultural Center. Digital version available at gharaati.ir.
14. Qomi, 'A. b. I. (1435 AH). *Tafsir Qomi*. Qom: Imam Mahdi Institute.
15. Rāghib al-Isfahānī, H. b. M. (1412 AH). *Al-Mufradāt fī Gharīb al-Qur'ān*. Damascus-Beirut: Dār al-'Ilm, al-Dār al-Shāmiyyah, 1st ed.
16. Ṭabarsī, F. b. Ḥ. (1427 AH). *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
17. Ṭabāṭabā'i, S. M. H. (1995). *Al-Mīzān* (Exegesis of the Qur'an). Translated by S. M. B. Mousavi Hamadani. Qom: Islamic Publications Office of the Seminary Teachers Society, 5th ed.